

باورها و آیین‌های عامیانه نباتی در نزهت‌نامه علایی

رحمان ذیحی * ۱

(تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۳، تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۰)

چکیده

دائرةالمعارف‌های کهن از زمره مهم‌ترین منابع حفظ فرهنگ عامه در تاریخ ادبیات فارسی شمرده می‌شوند. از جمله این متون نزهت‌نامه علایی اثر شهردان بن‌ابی‌الخیر است که در سال‌های پایانی سده پنجم هجری تألیف شده است و علاوه بر طبقه‌بندی علوم رایج روزگار، مشتمل بر عناصر مهم و بنیادین فرهنگ عامه است. یکی از زمینه‌های مهم نمود فرهنگ عامه در این اثر، ذکر آیین‌ها و باورهای عامیانه درباره نباتات است. مؤلف ضمن طرح مطالب علمی و شبه‌علمی که حاصل استفاده از منابع پیشین و مشاهدات و تجربیات خویش است، باورها و آیین‌های بسیاری درباره ثمردهی، خواص گیاهان و درختان، شیوه دفع آفات، دفع چشم‌زخم، بهبود و ازدیاد ثمر، دلالت برخی امور بر رخدادهای جوی چون دلالت بانگ قورباغه بر آمدن باران، ارتباط درخت و انسان، تهدید نمایشی درخت و گرفتن تضمین ثمردهی از آن، نقش نباتات در تعبیر خواب و ویژگی‌های عجیب دیگر ذکر کرده است. موضوع این پژوهش استخراج، دسته‌بندی و بررسی آیین‌ها و باورهای عامیانه نباتی در نزهت‌نامه و کنکاش در کم‌وکیف، سرچشمه‌ها و زمینه‌های آن و همچنین سنجش این متن بی‌بدیل با برخی متون مشابه در این زمینه خاص است.

واژه‌های کلیدی: دائرةالمعارف‌های کهن، نزهت‌نامه علایی، فرهنگ عامه، نباتات، آیین‌ها و باورها.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول).

* r.zabih@ilam.ac.ir

۱. مقدمه

دائرةالمعارف‌های کهن ادب فارسی در شمار منابع مهم حفظ فرهنگ عامه هستند. *نزهت‌نامه* علایی اثر شهردان بن‌ابی‌الخیر، دانشمند نامدار سده پنجم، از این سنخ کتاب‌هاست که مؤلف در تدوین و نگارش آن از یک‌سو تحت تأثیر *دانشنامه* علایی ابن‌سینا به تقسیم‌بندی علوم رایج روزگار پرداخته و از سوی دیگر در مطاوی مباحث، به میزان بسیار زیاد از آیین‌ها و باورهای عامه مردم تأثیر پذیرفته است. دلیل روی آوردن مؤلف به فرهنگ عامه را باید در هدف وی از تألیف کتاب جست‌وجو کرد. یکی از اهداف اساسی او - همان‌گونه که از وجه تسمیه کتاب به‌خوبی پیداست - سرگرم کردن خواننده بوده است. به همین سبب می‌توان *نزهت‌نامه* را در عین اشمال بر مطالب علمی، از مهم‌ترین دائرةالمعارف‌های عامیانه زبان فارسی به شمار آورد (وسل، ۱۳۶۸: ۳۹). این کتاب سندی ارزشمند برای تحقیق در پیشینه آیین‌ها و باورهای مردم ایران است. میزان و کیفیت باورها و آیین‌های عامیانه نباتی در این متن کهن جایگاه ویژه‌ای دارد که بیانگر رواج این آداب و باورها در سده پنجم هجری است. موضوع این پژوهش، استخراج، دسته‌بندی و تحلیل آیین‌ها و باورهای عامیانه نباتی در *نزهت‌نامه* علایی است که به روش تحلیلی و توصیفی انجام گرفته است. مهم‌ترین مسئله پژوهش بازشناسی آیین‌ها و باورهای عامیانه نباتی در *نزهت‌نامه* و نشان دادن قدمت آن‌ها در تاریخ فرهنگ و ادب فارسی است.

۲. پیشینه تحقیق

کهن‌ترین اثر مستقل به زبان فارسی در موضوع فلاح، *ورزنامه* نام دارد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۸: ۵۲-۵۴) و نیز کتابی از ابودجانه بیهقی «در دهقانی» که ابن‌فندق (۱۳۶۱: ۱۴۶-۱۴۷) در *تاریخ بیهقی* از آن یاد کرده است. اثر دیگر با عنوان *آثار و احواء تلخیص* کتابی از خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. همچنین باید از *ارشادالزراعة* از قاسم بن یوسف ابونصری هروی یاد کرد که در ۹۲۱ق در هرات نگاشته شده است (سابتنی، ۱۳۸۴: ۲۰۷-۲۲۸). کتاب مهم دیگر از عبدالعلی بیرجندی است درگذشته به سال ۹۳۴ق که با عنوان *آیین فلاح* چاپ شده است. از دیگر منابع باید به فصل‌های مربوط

به کشاورزی در دائرةالمعارف‌های کهن چون نزهت‌نامه علایی، فرخ‌نامه جمالی و نوادرالتبادر دنیسری اشاره کرد. محقق در بحثی سودمند با عنوان «آگاهی‌هایی درباره فن کشاورزی در اسلام» به آفاق گسترده‌آشنایی مسلمانان با فنون کشاورزی اشاره کرده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۸: ب-د). همچنین باید از کتاب پطروشفسکی یاد کرد که با عنوان «کشاورزی و بهبود مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» ترجمه شده است. مقاله ک. اس. لمبتون با عنوان «جنبه‌هایی از نظام کشاورزی و تاریخچه زمین‌داری در ایران» از دیگر پژوهش‌هاست که ترجمه آن توسط ایرج افشار در پیوست پنجم معرفت فلاح چاپ شده است (بیرجندی، ۱۳۸۷: ۱۶۱-۲۰۲). در متون یادشده، به‌ویژه در نزهت‌نامه علایی، به برخی از باورها و آیین‌های عامیانه مردم در باب کشاورزی و به طور کلی نباتات اشاره شده و پطروشفسکی (ر.ک: ۱۳۴۴: ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۷) در موارد نادری به برخی سنن مذکور در نزهت‌نامه اشاره کرده است. درباره باورهای عامیانه در ایران مهم‌ترین پژوهش کتاب ارزشمند و مفصل حسن ذوالفقاری است با عنوان باورهای عامیانه مردم ایران که با همکاری علی‌اکبر شیری تألیف شده است. در این کتاب یازده هزار باور ذیل ۶۵۰ مدخل اصلی مطرح و به بازتاب آن‌ها در مناطق مختلف ایران و بسیاری از متون کهن اشاره شده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۷). در این اثر ذیل برخی از مدخل‌های مرتبط با نباتات به آیین‌ها و باورهای عامیانه نباتی پرداخته شده است که در پژوهش حاضر به تناسب و مجال بحث به آن‌ها اشاره خواهد شد. از دیگر پژوهندگان فرهنگ عامه می‌توان از هانری ماسه، صادق هدایت، انجوی شیرازی و احمد شاملو یاد کرد (همان، ۵ - ۶). با وجود پژوهش‌های ارزشمند یادشده تاکنون درباره آیین‌ها و باورهای عامیانه نباتی در نزهت‌نامه علایی تحقیقی صورت نگرفته است.

۳. احوال و آثار شهردان بن‌ابی‌الخیر

شهردان بن‌ابی‌الخیر از دانشمندان و مؤلفان نامدار سده پنجم هجری، در میانه سال‌های ۴۲۰ - ۴۲۵ق در ری به دنیا آمد و در آنجا نزد ابوالحسن علی بن‌احمد النسوی به تحصیل پرداخت. سپس به اصفهان رفت و به خدمت شمس‌الملک فرامرز درآمد و همراه او به یزد رفت و در این شهر کتابی در موضوع تاریخ و اخبار ایران تدوین کرد.

در سال ۴۴۳ق پس از مرگ شمس‌الملک فرامرزی، به ری برگشت و روضة‌المنجمین را تألیف کرد. همچنین به خوزستان و بصره سفر کرد و مدتی در خدمت یکی از حاکمان در سمت دبیر و مستوفی به خدمت پرداخت تا اینکه از شغل خود برکنار شد. سپس در گرگان و استرآباد کتاب *البدایع* را تألیف کرد و سرانجام در میانه سال‌های ۴۹۰-۴۹۵ق به یزد بازگشت و در آنجا به تألیف کتاب *نزهت‌نامه* پرداخت و به علاءالدوله خاصبک ابوکالیجار گرشاسب تقدیم کرد. از این تاریخ به بعد اطلاع دقیقی از سرنوشت او در دست نیست (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۶۲: مقدمه، ۶۸-۷۳؛ نیز ر.ک: صفا، ۱۳۸۶: ۲/ ۹۰۹-۹۱۱). شهمردان بن ابی‌الخیر مؤلف آثار ارزشمند در موضوعات مختلف است که برخی از آن‌ها از میان رفته و برخی دیگر باقی مانده است، از جمله: ۱. *حل الرموز سماویة اجل من کنوز الدنیایویة*، ۲. کتابی در علم کیمیا، ۳. کتابی در تاریخ که تلخیص *شاهنامه* پیروزان معلم بوده است (نک: خالقی مطلق، ۱۳۹۱، ذیل *شاهنامه* پیروزان)، ۴. کتاب *البدایع* در خواص و طبایع و منافع به زبان عربی که اصل آن از بین رفته، اما پایه تألیف *نزهت‌نامه* قرار گرفته است، ۵. *روضه‌المنجمین* که در سال ۴۶۶ق تألیف شده است (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۸۲: مقدمه، ۱۷)، ۶. *نزهت‌نامه* علایی.

۴. *نزهت‌نامه* علایی

نزهت‌نامه علایی مهم‌ترین اثر برجای مانده از شهمردان بن ابی‌الخیر، مشتمل بر مباحثی چون نجوم، ریاضی، هندسه، کیمیا، طب، منطق، مردم‌شناسی، حیوان‌شناسی، معدن‌شناسی، تاریخ و جغرافیاست (همان، ۷۴). مؤلف در تدوین کتاب متأثر از *دانشنامه* علایی ابن‌سینا بوده است (همان، ۷۸). دایره مطالب *نزهت‌نامه* بسیار گسترده‌تر از *دانشنامه* علایی است؛ زیرا مؤلف از منابع متعدد دیگری در موضوع نجوم، طب، جغرافیا، تاریخ و اسطوره بهره برده است (همان، ۷۸ ب). *نزهت‌نامه* در دو قسم تدوین شده است و هر قسم شامل شش مقاله است؛ قسم نخست شامل «خواص و منافع و طبایع مردم و حیوانات از سباع و وحوش و بهایم و طیور و هوام و حشرات زمینی و آبی و اشجار و نبات و اجساد و جواهر و احجار» است (همان، ۵). قسم دوم نیز مشتمل است بر «چند نوع خواص و طبایع و فواید از علوم حسابی و نجومی و شناختن و دانستن ستارگان و

چند علم دیگر ... » (همان، ۸ - ۹). موضوع مقاله پنجم نزهت‌نامه «نبات و اشجار و حبوب» است در هشت باب شامل: درختان میوه‌دار، درختان مسموم و سپرغم‌ها، چند جنس خاص از درخت و نبات، پالیز و تره، شناخت باران و زمستان، گزیدن گاو نیک، نگهداری درخت و ثمر و بازداشتن آفت‌ها (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۶۲: ۲۱۲). علاوه بر این در بخش تعبیر خواب، باورهایی در دلالت دیدن انواع درختان و نباتات در خواب ذکر شده است (همان، ۴۸۶ - ۴۸۹). سبک نگارش نزهت‌نامه مانند بسیاری از آثار علمی سده پنجم، ادامه نثر ساده دوره سامانی و غزنوی، یعنی ساده، روان و پیراسته از حشو و زواید است (بهار، ۱۳۸۶: ۲ / ۱۷۰؛ همچنین نک: صفا، ۱۳۸۶: ۲ / ۹۰۹؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۱۵۶).

۵. آیین‌ها و باورهای نباتی در نزهت‌نامه

شهمردان بن ابی‌الخیر در بخش نباتات نزهت‌نامه از یک سو کوشیده است تا مطالب علمی یا شبه‌علمی مبتنی بر تجارب عمومی و آزمون‌گری شخصی و یا برخاسته از خواننده‌ها و دانسته‌های خود را عرضه کند و از سوی دیگر به میزان بسیار زیاد متأثر از فرهنگ عامه روزگار خود و به‌ویژه باورها و آیین‌های عامه قرار گرفته است. در کنار نوعی تعلیم فلاحی، جنبه ذکر نوادر و عجایب این کتاب برجسته است. با اینکه مرز میان مطالب علمی و آیین‌ها و باورهای عامه سیال و گاه ناپیدا است؛ اما در پژوهش حاضر سعی شده است چارچوب تحقیق که جست‌وجو در باورها و آیین‌های عامیانه نباتی است، حفظ شود. مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش عبارت است از: خواص میوه‌ها و نباتات، شیوه‌های بهبود و ازدیاد ثمر، ایجاد تصویر خاص بر میوه، دفع چشم‌زخم، نقش گاو در زراعت، باورها و آیین‌های کاشت، ارتباط درخت و انسان، تهدید نمایشی درخت و ارتباط نباتات و خواب‌گزاری.

۵-۱. خواص میوه‌ها و نباتات

بسیاری از آیین‌ها و باورها بر مبنای خواص نباتات شکل گرفته است که غالباً شامل باورهای عجیب و غریب، دفع گزندگان و خواص طبی است. اگر زن باردار میوه آبی (به) بخورد، بچه او زیرک و خوش خلق خواهد بود؛ «زن آبستن چون به بسیار خورد،

کودک زیرک باشد و خوش خوی» (ص ۲۱۸)، این مطلب در *نوادراتالبادر* هم آمده است (دنیسری، ۱۳۵۰: ۲۴۸؛ نیز نک: ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۲۴۱). «گل تازه که به اول بامداد بشکفد به سه انگشت از دست چپ کسی بگیرد و بر چشم مالده، آن سال او را چشم درد نیاید. سرشک که بر گل نشیند بامداد به پر مرغ بگیرند و در آبگینه کنند و در چشم کشند روشنایی بیفزاید و به درد نیاید» (ص ۲۲۳). «هرکه شبانگاه باذرنبو بخورد به شب خواب‌های نیکو بیند» (ص ۲۳۲). از همین مقوله است: به فال نیک داشتن آذریون و تأثیر آن در سقط جنین (ص ۲۲۶)؛ نقش سداب در گریزاندن گربه از خانه کبوتر و همچنین تأثیر آن در دفع مار «هرکه دست خویش به سداب نیک بیالاید مار نزدیک او نشود» (ص ۲۳۴ - ۲۳۵؛ نیز نک: دنیسری، ۱۳۵۰: ۲۵۳)؛ اگر زنی شیرده کرفس بخورد بچه او دچار صرع می‌شود (ص ۲۳۵)؛ سعتربری، درمان خارپشت و راسویی است که مار خورده باشد (ص ۲۳۶)؛ اگر مصروع فاوانیا (عودالصلیب) با خویش داشته باشد برای او مفید است (ص ۲۳۷؛ نیز نک: خاقانی، ۱۳۷۸: ۲۶)؛ اگر تمثالی از عودالصلیب بتراشند و در گردن گوسفند کنند هیچ آفت و درنده‌ای به آن زیان نمی‌رساند (ص ۲۳۷)؛ قطران نطفه را تباه می‌کند. چنانکه اگر زن باردار قطران به دست بگیرد بچه او سقط می‌شود (ص ۲۳۹؛ نیز نک: خاقانی، ۱۳۷۸: ۴۱۵).

برخی از باورها و آیین‌های غریب برای علاج بیماری است: گرفتن شاخه کاسنی در دست در آخر ماه قمری و رو به ماه سوگند خوردن که کاسنی و گوشت اسب می‌خورم، برای تسکین درد دندان مفید دانسته شده است؛ «به آخر ماه تازی اول شاخی که از کاسنی بینند، یکی بگیرند و روی به ماه کنند و آن کس سوگند خورد که کاسنی و گوشت اسب بخورد دندانش درد نکند در آن ماه» (ص ۲۳۶؛ نیز نک: زکریای قزوینی، بی‌تا: ۲۷۸)؛ یا کنند سه برگ از کرکج برای فرد مبتلا به یرقان سودمند ذکر شده است (ص ۲۳۳)؛ گرفتن شاخه حنظل عوارضی دارد؛ اگر تنها یک میوه بر شاخ حنظل باشد و کسی آن را بچیند و بر دست و پای خری بمالد، هرکس سوار آن خر شود دچار زحیر و اطلاق می‌شود (ص ۲۳۹)؛ «به هندوستان عملی لطیف سازند آن حنظل را که بر شاخ بر یکی آرد، بگیرند و هلیله کابلی چهل روز در او کنند پس برآرند و بجوشانند و همچنین بار دوم و سوم در حنظلی دیگر نهند و مدتی دیگر بگذارند و به هر کرتی

خشک گردانند، پس چون مرد به دست گیرد همچنان باشد که داروی مسهل خورده باشد» (ص ۲۳۹-۲۴۰)؛ بینی گربه را به روغن گل چرب می‌کردند و معتقد بودند گربه با این عمل دیوانه می‌شود و می‌میرد (ص ۲۲۳)؛ و یا معتقد بودند اگر چوب انجیر نزد مردی بر آتش نهند بیضهٔ او ورم می‌کند و به صدا درمی‌آید (ص ۲۱۹). این باور هنوز در شاهرود وجود دارد (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

از دیگر خواص ذکر شده برای نباتات و میوه‌ها، دفع گزندگان است؛ «شاخ انار مار و کژدم و جنبندهٔ زمین را زیان کند و بدین سبب بعضی از مرغان آن را به آشیانه برند و اگر در انبار غله بنهند، نگاه دارد و دیوچه در نیفتد» (ص ۲۱۸)؛ نیز نک: زکریای قزوینی، بی‌تا: ۲۲۸). احتمالاً ریشهٔ این باور به تصور تقدس و خواص رمزآمیز و جادویی انار بازمی‌گردد (نک: ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۱۸). «جعل و خنفسا از بوی گل بمیرند؛ ازیرا که هرچه از عفونت خیزد بوی خوش بنبوید و نخواهد» (ص ۲۲۳)؛ نیز نک: انوری، ۱۳۷۶: ۲۹۴). از همین مقوله است مرگ کژدم در اثر آب ترب (ص ۲۳۰). به باور مؤلف بندق به انحای مختلف دشمن کژدم است؛ «بندقی درست تباه‌ناشده مرد با خویشتن دارد کژدم پیرامن او نگردد و باید که بر شلواربند بندد و بندق را با کژدم خاصیتی طرفه است تا بدان حد که اگر به چوب بندق تر دایره‌ای بر زمین بکشند و کژدم را در میانش فکنند از آنجا بیرون نیاید و چون به خط محیط رسد بازگردد» (ص ۲۲۲)؛ نیز نک: دنیسری، ۱۳۵۰: ۲۵۱). اگر حنظل بر جایگاه مورچه دود کنند، مورچه می‌گریزد (ص ۲۳۹) و نیز نک: زکریای قزوینی، بی‌تا: ۲۵۶). «هرکس که یک شاخ حنظل را با خویشتن دارد کفتار از او بگریزد و هیچ گزند نتواند کردن» (ص ۲۳۹).

برخی رسوم و باورها در زمینهٔ خواص طبی نباتات است، از جمله: باور به نقش آب سیب در درمان نقرس: «اگر آب سیب بر جایگاه دردمند منقرس نهند درد ساکن شود» (ص ۲۱۶)؛ نقش شیر انجیر در بهبود زخم و تسکین نیش زنبور و درمان بهق: «اگر شیر انجیر بر ریش اندام نهند سود دارد ... و اگر بر جایگاه زخم زنبور کنی سود دارد و با آرد بر بهق کنی ببرد» (ص ۲۲۰)؛ نقش بادروج در تسکین نیش زنبور، بندآمدن خون بینی، درمان گری و علاج جنون: «بادروج کوفته با سرکه بر زخم زنبور نهند ساکن گردد و اگر با کافور در بینی نهند که خون از او بسیار می‌آید بازگیرد. بادروج با سرگین

کبوتر به گرمابه در خویشتن مالند، گرّ ببرد. بادروج و کرنب به وزن یکدیگر بکوبند و حب کنند مانند پلپل به دیوانه دهند تا بخورد نیک شود» (ص ۲۳۳؛ نیز نک: جمالی یزدی، ۱۳۸۶: ۱۳۶)؛ از همین مقوله است: نقش انجیر خشک و آب چغندر در تسکین درد دندان (ص ۲۲۰، ۲۳۱)؛ مارچوبه، کرکج و خاوانی و افزونی شهوت (ص ۲۳۲)؛ گندنا و علاج درد نیش کژدم و زنبور (ص ۲۳۲؛ نیز نک: دنیسری، ۱۳۵۰: ۲۵۳)؛ نقش کرکج در زدودن لکه‌ها (ص ۲۳۳)؛ دافع شهوت بودن سداب و نقش آن در سقط جنین (ص ۲۳۵، نیز نک: جمالی یزدی، ۱۳۸۶: ۱۳۸؛ دنیسری، ۱۳۵۰: ۲۵۲)؛ نقش بلبهن در بهبود دندان تباه‌شده (ص ۲۳۶)؛ خواب‌آور بودن خاوانی و علاج پیسی با آن (ص ۲۳۸)؛ قطران و علاج کرم گوش و ازدیاد شیر زن (ص ۲۳۹)؛ حماض و تأثیر سوء بر آبستنی و همچنین بهبود بواسیر (ص ۲۴۰).

۲-۵. دفع آفت از کشتزار

قدما با انجام آدابی غریب، به باور خود آفاتی چون کرم، تگرگ و سرما را از کشتزار دفع می‌کردند. برای دفع کرم از رز، داسی که انگور را با آن هرس می‌کردند به خون خرس یا وزغ می‌آغشتند «داس که بدو شاخ رز بزنند به خون خرس یا به خون بزغ بیندایند، کرم در آن شاخ نیفتد که بدو بریده باشند» (ص ۲۱۶؛ نیز نک: زکریای قزوینی، بی‌تا: ۲۳۹؛ فخر رازی، ۱۳۸۲: ۳۳۴؛ ابونصری هروی، ۱۳۵۶: ۶۷). شیوه‌های غریب بازداشتن آفت تگرگ چنین بوده است: «اگر پوست کپی را از درختی بلند بیاویزند یا آیینۀ روشن برابر ابر بدارند یا پشت مار افعی بشکافند و آلت شکم او بیرون کنند و پیرامن دیه بگردانند و از جایگاهی که بلندتر و گشاده‌تر باشد بیاویزند یا کشف اندر رکویی نهند به پشت باز افکنده چنانکه دست و پایش سوی آسمان باشد و از آن رکو بر نتواند آمدن و بر نتواند گردیدن یا کفتار همچنین اندر رکویی نهی چنانکه رویش به سوی آسمان باشد و بر زمین‌های دیه بگردانی و از بلندتر جایگاهی بیاویزی ژاله در آن جایگاه و در آن دیه نیفتد» (ص ۲۴۳؛ نیز نک: بیرجندی، ۱۳۸۷: ۲۶ - ۲۷؛ دنیسری، ۱۳۵۰: ۲۵۹). با کوفته بلبهن سرمازدگی درخت خرما را علاج می‌کردند «چون درخت خرما از سرما زرد شود بلبهن باید کوفتن و در درخت مالیدن گرما کند و فایده دهد» (ص ۲۳۶).

۳-۵. بهبود و ازدیاد ثمر

از دید شهردان ابن‌ابی‌الخیر راه‌های متعددی برای بهبود ثمر وجود دارد که با انجام یا آزمودن این اعمال می‌توان رنگ، طعم، درشتی، نازکی پوست، مرغوب بودن و بدون هسته بودن میوه‌ها را بهبود بخشید و یا تعیین کرد؛ «اگر خواهی که پوست انار بچکد، در بن آن سنگی که از دریا آورده باشند بنه یا میخی از ارزیر بدو درکوب یا صورت کژدمی از سرب کرده در زیر او پنهان کن همه بر درست بماند» (ص ۲۱۷). برای افزونی ثمر زیتون می‌گوید: «میخی چند از درخت بلوط تراشیده پیرامن درخت زیتون در زمین زنند بر بسیار آرد و نیکو» (ص ۲۲۰). و یا توصیه به نشاندن شاخ گوسفند، تخم‌مرغ، لاشه خرچنگ و ... در بن انجیر:

اگر در بن درخت سُرُو گوسفند نهی چنانکه بیش دو انگشت بر زبر باشد و آب و باران در او ایستد بر نیکو آرد و هیچ نیفتند و اگر در زیر درخت یک خایه مرغ بنهی دانه بزرگ گرداند و اگر قدری آب زیتون در بن درخت ریزی یا خرچنگی در زیر درخت بنهی با اندکی نمک یا سوسن آسمان‌گون بر نگاه دارد (ص ۲۱۹).
«نشاندن شاخ بز در پای انگور به منظور بهبود ثمر نیز شبیه به همین مورد است» (ص ۲۱۵).

در مواردی برای بهبود ثمر و داشتن طعم دلخواه، موادی در پای درخت می‌ریختند؛ «دردی نبید در بن درخت سیاه‌آلو ریزی بر خوش آرد و شیرین» (ص ۲۱۹ و نیز نک: دنیسری، ۱۳۵۰: ۲۴۹). «اگر بن انار شیرین را اندکی باز کنی و سرکه در آن ریزی ترش گردد و اگر انگبین در بن انار ترش کنی شیرین شود» (ص ۲۱۷؛ نیز ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۱۹؛ زکریای قزوینی، بی‌تا: ۲۲۷). «نفت سیاه در بن انگور سپید ریزند سیاه گردد به زودی» (ص ۲۱۶). اگر گل سرخ در پای درخت سیب، آلو و انگور سپید بنشانند، ثمر آن سرخ خواهد بود (ص ۲۲۳ - ۲۲۴). کرکج کوفته با آب در بن درخت انار سبب شیرینی ثمر آن خواهد شد (ص ۲۳۳). دیگ بن شکسته پر از کاه را در زمین می‌نهادند و شلغم در آن می‌کاشتند و بر آن سرگین می‌ریختند، شلغمی به اندازه دیگ حاصل می‌شد (ص ۲۳۲).

به منظور بهبود میوه و ثمر، بذر و دانه را در موادی خاص نگهداری می‌کردند؛ بر دانه آلو و شفتالو شنگرف با گل سرخ می‌افشانند تا میوه آن سرخ گردد (ص ۲۱۸) و یا تخم شلغم و کرنب را در عسل، شیره مویز و سیکی می‌نهادند و می‌کاشتند و این‌ها در

حاصل آن مؤثر بود (ص ۲۳۲)؛ بذر خیار را مدتی در شکوفه می‌نهادند و سپس می‌کاشتند ثمر آن درشت می‌شد و یا آن را مدتی در انگبین می‌خوابانند، محصول آن خوشمزه بود (ص ۲۲۸). شیوه قرار دادن بذر در خاک نیز اهمیت داشت، برای مثال اگر می‌خواستند ثمر کدو بزرگ باشد بذر آن را باژگونه در خاک می‌کاشتند (ص ۲۲۸)؛ نهال انجیر را ساعتی در آب و نمک و یک شب در سرگین گاو می‌نهادند و روز دیگر می‌کاشتند، طعم میوه آن خوش می‌شد (ص ۲۱۹)؛ نیز نک: زکریای قزوینی، بی‌تا: ۲۲۲. برخی اعمال به منظور راحتی استفاده از میوه بود: «اگر خواهی که دست‌شکن گردد یک گوز (گردو) درست بگیر و پوست از او باز کن، چنانکه مغز درست بیرون آید و هیچ خراشیده نشود آنگاه در رکویی کن یا در برگ رز نه و تر گردان و بنشان بر آنچه آرد آن درخت، پوست آن آنچنان باشد که به دست بتوان مالیدن» (ص ۲۲۱)؛ نیز نک: طوسی، ۱۳۸۷: ۳۱۰. شبیه به همین عمل را درباره بادام نیز انجام می‌دادند (ص ۲۲۲)؛ نیز نک: زکریای قزوینی، بی‌تا: ۲۴۱.

پیوند برای مقاصدی چون خوش‌طعمی، پرثمری و حصول رنگ دلخواه انجام می‌شد. خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۶۸: ۱۱۰-۱۱۳) بیست فایده را در پیوند درختان برشمرده است. در *نزهت‌نامه* علایی به چند مورد مهم از پیوند درختان اشاره شده است: شاخه‌های انگور سیاه، سپید و سرخ را می‌شکافتند و در هم می‌تیدند و در گِل می‌گرفتند و چون می‌کاشتند، ثمر به هر سه رنگ حاصل می‌شد (ص ۲۱۷)؛ نیز نک: *یواقیت‌العلوم*، ۱۳۴۵: ۲۲۵)؛ دانه انجیر سیاه و زرد را در هم می‌کردند و یکجا می‌کاشتند و معتقد بودند بر درخت آن، انجیر زرد و سیاه حاصل خواهد شد (ص ۲۲۰). شاخه انگور را با مورد می‌خراشیدند و با پوست بید می‌بستند انگور بی‌دانه به بار می‌آمد (ص ۲۱۶).

۴-۵. دلیل گرفتن برخی امور بر رخدادهای طبیعی

در مواردی برخی امور و وقایع دلیل تغییرات جوی دانسته شده است که زندگی زارع سخت به آن وابسته است. از جالب‌ترین این باورها دلالت بانگ قورباغه درختی بر آمدن باران است. «جنسی است از بزغ که بر درخت شوند چون بانگ کند باران آید» (ص ۲۴۱).^۲ این باور هم‌اکنون نیز در بسیاری از مناطق کرانه خزر رایج است (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۶۴). همین باور درباب دارکوب نیز ذکر شده است «مرغی است آن را دارکوبک

خوانند و به تازی نفره و به طبرستان واروار گویند ... چون این مرغ آواز کند در زودی باران آید» (همان‌جا). از دیگر نشانه‌های جالب دلالت‌کننده بر آمدن باران این موارد است:

اگر مگس بگذرد یا پروانه بسیار در چراغ افتد تا سوخته شود یا فتیلهٔ چراغ سخت سیاه باشد یا عنکبوت از خانه همی‌افتد بی‌آمدن باد یا بن دیگ بینی که شرر آتش بر او بسیار باشد، دلیل کند که باران آید. اگر گوسفند بینی که در رمه دنبال همی-خارد از بعد سه روز باران باشد. اگر گاو زبان به سم برمی‌آرد ... دلیل کند بر بارندگی» (۲۴۱). علامات درازی زمستان را چنین ذکر کرده است «اگر کلاغ بر کنار آب روان نشیند و سر در او می‌برد و می‌آرد و خویشتن را بشوید دلیل کند بر درازی زمستان (ص ۲۴۰-۲۴۱).

«اگر گرگ روی به آبادانی نهد و نزدیک مردم آید یا موش بانگ بسیار کند یا بلوط و عرعر بر بسیار آرد و روی نهادن خوک به مردم و رفتن ماده از پی گشن این همه دلیل است بر درازی زمستان و بارندگی» (ص ۲۴۱). از علائم توقف بارندگی و صاف گشتن آسمان این موارد قابل توجه است: «شغال در شبی که میغ باشد یا باران همی‌بارد بانگ کند دیگر روز آسمان بی‌فروزد و آفتاب باشد» (همان‌جا). از علامات سال نیکو افزونی بخش سبزرنگ قوس‌قزح است. «چون قوس‌قزح پیدا آید و سبزرنگ بسیار باشد دلیل است بر نیکویی سال و بسیاری گیاه و نبات و حبوب» (همان‌جا).

۵-۵. ایجاد نقش خاص بر میوه

قدما برای داشتن تصویری خاص بر میوه به اعمالی دست می‌زدند؛ نقشی خاص بر شاخهٔ انجیر می‌کشیدند و معتقد بودند آن نقش بر میوهٔ آن هویدا می‌شود (ص ۲۲۰)؛ و نیز نک: ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۱۹). بر هستهٔ آلو، زردآلو و بادام نقش خاصی ترسیم می‌کردند و می‌پنداشتند آن نقش بر میوهٔ این درختان نمودار می‌شود: «چون استخوان (هسته) خواهی نشانندن باید که از گوشتش لختی با او بگذاری و یکباره ساده و پاک نکنی و در اندرون استخوان به کارد نقشی کنی و بر هم نهی و ببندی و بنشانی همان نقش بر آلو پدید آید و با بادام و زردآلو همین عمل بشاید کردن» (ص ۲۲۰).

۵-۶. دفع چشم زخم

یکی از آیین‌های مهم عامه در حوزه کشاورزی، دفع چشم بد از کشتزار با قراردادن سر حیواناتی چون اسب، خوک و خر است (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۹۰۵). در *نزهت‌نامه* از این آیین سخن رفته است؛ «اگر سر خر در پالیزها بنهند همه پالیزها را سود دارد، خاصه کاسنی را و خاصیتی دارد و این مجرب است» (ص ۲۳۶). این آیین در سده هفتم هم رواج داشته و سعدی (۱۳۸۴: ۱۳۹) در *بوستان* ضمن حکایتی طنزآمیز به آن اشاره کرده است:

یکی روستایی سقط شد خرش	علم کرد بر تاک بستان سرش
جهاندیده پیری بر او برگذشت	چنین گفت خندان به ناطور دشت
مپندار جان پدر کین حمار	کند دفع چشم بد از کشتزار ...

۵-۷. نقش گاو در زراعت

عمده‌ترین نیروی شخم‌زدن زمین گاو بوده است. مؤلف *نزهت‌نامه* شرایط و لوازمی برای گاو نیک برمی‌شمارد: «گاو باید که درازپشت باشد، بزرگ‌سر، پهن‌روی، سیاه-چشم، بینی‌دراز و گردان باشد و به زانو نشان سیاهی دارد. تهیگاه پهن و دنبال و موی دراز، چنانکه بر زمین همی کشد. دست‌ها کوتاه و پای‌ها به هم باز می‌زند که پای دور از هم گشاده نیک نیست و سم گرد باید و سخت و لون بهترین سرخ است که به سیاهی می‌گراید و باید که او را نام برنهند تا چون بدان نام آواز دهند و او را بخوانند بیاید» (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۶۲: ۲۴۲).

۵-۸. کاشت

کاشت نباتات شرایط و مقدمات خاصی داشته است. برخی از این شرایط برآمده از عوامل فرهنگی و برخی دارای پایه تجربی و علمی است. از مهم‌ترین شرایط، زمان کاشت نباتات است. بهترین زمان کاشت سیر قرار گرفتن ماه در زیر آفتاب و هنگام فروشدن ثریا است: «چنان باید که ماه در زیر آفتاب باشد و به وقت فروشدن ثریا پسندیده دارند» (ص ۲۳۰). مناسب‌ترین وقت برای نشاندن شاخ انگور نیز میانه چهارم و چهاردهم ماه است: «آنگاه باید نشاندن که از ماه نو چهار روز گذشته باشد تا چهاردهم ماه» (ص ۲۱۵؛ نیز نک: طوسی، ۱۳۸۷: ۳۱۹).

وضعیت بذر و نهال نیز اهمیت داشته است. قلمه انگور را که می‌بایست پیش از ده چشمه داشته باشد، از انگور کهن‌سال تهیه می‌کردند؛ «چون شاخ و غرس خواهی نشاندن باید که از رز پیر کهن گشته ببرند و از رز نوخاسته باز نبرند. چنان باید که بر بسیار آورده باشد و این شاخ را که بخواهند نشاندن املس باید کرد و بر هر شاخی ده دوازده چشمه باشد و نه از سر ببرند و نه از بن، میان باید» (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۶۲: ۲۱۵). در باب انار نیز گفته است «چون شاخ انار بنشانی باید که از آن شاخ باز بری که بر آورده باشد» (ص ۲۱۷). «چون پیاز خواهی کشتن پوست از او جدا باید کردن و بیخ و ریشه او همچنین به بیست روز پیش‌تر» (ص ۲۳۰).

۵-۹. درخت، حیوان و انسان

در نزهت‌نامه درخت خرما از چند جهت با حیوان و به‌خصوص با انسان مقایسه شده است: راستی قامت و شاخ و برگ، پیدابودن نر از ماده، ثمردهی با لقاح و نظایر آن؛ هیچ درختی به جانور چنان نزدیک نیست که درخت خرما ... اولاً قامت راست دارد و در اصل و شاخ او هیچ پیچیدگی نیست و نر از ماده پیدا باشد. نر بر نیارد و ماده گشن خواهد ... و از طلع او بوی منی مردم آید مطلق و کاردو خوانند و این غلاف خرماست مانند مشیمه که بچه در او باشد ... و خارکی بر سر دارد اگر ببرند - آن به جای درخت است - آن درخت کشته شود ... و هر شاخی که از او ببرند چون اندام جانوری به جای باز نیاید و بر تن او لیف است مانند موی که بر تن حیوان باشد (همان، ۲۱۳ - ۲۱۴).

کهن‌ترین ریشه تصور ارتباط میان درخت با حیوان و انسان به اساطیر برمی‌گردد (دادگی، ۱۳۹۰: ۸۱؛ نیز نک: هینلز، ۱۳۸۸: ۸۹؛ کریستن‌سن، ۱۳۸۹: ۱۶، ۱۰۱). وجه دیگر این قیاس برخاسته از آرای حکمی است. هریک از سه مرتبه جمادی، نباتی و حیوانی ابتدا و انتهای هریک به ابتدای دیگری پیوسته است. حد فاصل نبات با حیوان درخت نخل است که از چند وجه شبیه آدمی است (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ۲۶ - ۳۰). از دیگر وجوه شباهت میان انسان و درخت، تصور عقل و فهم برای درخت است. این تصور در آیین تهدید درخت بی‌حاصل تبلور یافته است.

۱۰-۵. تهدید نمایشی درخت

تهدید نمایشی و ساختگی درخت که امروزه هم در مناطق وسیعی از ایران وجود دارد (نک: ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۵۶۵)، از آیین‌های باروری در فرهنگ ایرانی است.^۳

درخت میوه که بار ندهد دو نفر با بیل و تبر و تیشه می‌روند پای آن. یکی از آن‌ها تشر می‌زند به درخت و بلند می‌گوید: این درخت را باید کند میوه نمی‌دهد و پای درخت را بیل می‌زند. دیگری ضامن می‌شود. جلو می‌آید و دست او را نگه می‌دارد و می‌گوید: این دفعه را ببخش اگر سال دیگر میوه نداد آن وقت بئر. درخت می‌ترسد و سال دیگر بار می‌دهد (هدایت، ۱۳۵۶: ۸۷).

محمود روح‌الامینی نیز به آیینی شبیه آنچه یاد شد، اشاره کرده است (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۱). پژوهشگرانی که در باب این آیین تحقیق کرده‌اند - جز مهرداد بهار (۱۳۸۷: ۳۱۴) که به سابقه افسانه‌ای و اساطیری آن اشاره کرده است - به پیشینه آن در تاریخ ادبیات فارسی اشاره‌ای نکرده‌اند. این رسم در باب درخت خرما در *نزهت‌نامه* علائی ذکر شده است: «اگر درخت خرما بر نیارد یکی تبری به دست گیرد و چنان نماید که بخواهد فکندن و دیگری در او آویزد و دستش بگیرد و گوید من پایندان او شدم و در پذیرفتم که سال دیگر بر بیارد و اگر بر نیارد آنگاه بیفکن. سال دیگر بر بسیار آرد» (شهمردان‌بن‌ابی‌الخیر، ۱۳۶۲: ۲۱۴؛ نیز نک: رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۸: ۲۹؛ زکریای قزوینی، بی‌تا: ۲۴۵؛ ابونصری هروی، ۱۳۵۶: ۱۶۷-۱۶۸).

۱۱-۵. خواب‌گزاری

محور برخی از موارد تعبیر خواب در *نزهت‌نامه* بر ارتباط انسان و درخت استوار است: «درخت مرد باشد» (ص ۴۸۶)؛ «دیدن درخت خرما از همه درخت‌ها فاضل‌تر است، مردی باشد بسیار منفعت و درختان بسیار مردان باشند و زنان و فرزندان» (همان‌جا؛ نیز نک: خواب‌گزاری، ۱۳۸۵: ۲۵)؛ «بادام مرد غریب باشد ... گوز [گردو] مرد بزرگ از عجم ... و گوز هندی منجم یا طیب یا کنیزک هند» (ص ۴۸۷؛ نیز نک: خواب‌گزاری، ۱۳۸۵: بخش دوم/ ۱۳۲). به همین ترتیب دیدن سیب، آبی، شفتالو، ترنج، نارنج، مورد ... در خواب دلالت دارد بر انسان در جایگاه و نقش‌های مختلف. ظاهراً برخی از تعبیر از رنگ یا هیئت ظاهری نباتات ناشی شده است: نرگس که گلی است با گلبرگ‌های سپید و پاکیزه

دلالت دارد بر «مرد نیکو یا زن پاکیزه و فرزند و دوست نیکو عهد بی‌غائلت و خیانت (ص ۴۸۸)، در مقابل پالیز که محل رشد انواع نباتات نافع و زیانکار است دلالت دارد بر «مرد با تخلیط» (همان‌جا)؛ خربزه از جهت رنگِ زرد «بیماری باشد» (همان‌جا). دیدن کاه در خواب که ماده‌ای است پرحجم و پرزحمت و در مقابل دانه کم‌ارزش، دلالت دارد بر «شغل بسیار و منفعت اندک» (ص ۴۸۹). زمان و فصل دیدن نباتات به خواب در تعبیر آن مؤثر است؛ «دیدن انگور سپید به وقت خویش مال حلال است و سیاه بیماری و اندوه» (ص ۴۸۶). «زیتون شرف و جمال و منفعت به وقت خویش و بی‌وقت اندوه و بیماری» (ص ۴۸۷). برخی خواب‌ها در شفای بیمار مؤثر انگاشته شده است: «دیدن بادام بیمار را نیک است از بهر فال» (ص ۴۸۶)؛ «کدو مرد عالم طیب با منفعت و شفای بیمار» (ص ۴۸۸). خام یا پخته بودن محصولات هم در دلالت خواب مؤثر است: کدو «پخته خوردن نیک است و خام فزع و اندوه» (همان‌جا)؛ «سیر و پیاز، هرچه از این جنس باشد پخته نیکوست و خام فزع و اندوه» (ص ۴۸۹).

۶. نتیجه‌گیری

نزهت‌نامهٔ علائی، از دائرةالمعارف‌های کهن و ارزشمند سدهٔ پنجم هجری، گذشته از ارزش‌های گوناگون زبانی و علمی، از جهت اشمال بر فرهنگ عامه اهمیت بسیاری دارد. ریشهٔ آفاق گستردهٔ فرهنگ عامه در این کتاب را باید در تلاش مؤلف در ذکر آداب و رسوم و آیین‌ها و باورهای مردم روزگار خویش و تأثیرپذیری از منابع پیشین جست‌وجو کرد. علاوه بر تدوین دانشنامه‌ای علمی، یکی از اهداف مؤلف ذکر نوادر و به شگفتی واداشتن مخاطب به منظور ایجاد انبساط خاطر در او بوده است. یکی از جلوه‌های مهم فرهنگ عامه در نزهت‌نامهٔ علائی، آیین‌ها و باورهای عامیانهٔ نباتی است که خود گسترهٔ وسیعی را شامل می‌شود؛ برخی از آیین‌ها و باورهای عامیانه دربارهٔ خواص نباتات و میوه‌هاست از قبیل خواص غریب، دفع گزندگان و خواص طبی. برخی موارد، چون نشاندن چیزی در پای درخت، نشاندن بذر در موادی خاص و پیوند، برای بهبود و ازدیاد ثمر است. ظهور تصویری طبیعی بر میوه، دفع چشم‌زخم، شرایط گاوِ شخم‌زن، باور به دلالت برخی امور بر رخدادهای طبیعی، شیوه‌های

پیشگیری از آفاتی چون تگرگ، تهدید نمایی درخت و گرفتن تضمین ثمردهی از آن، ارتباط درخت و انسان، خواب‌گزاری و نباتات از دیگر زمینه‌های مهم فرهنگ عامه و ذکر آیین‌ها و باورهای نباتی در این کتاب است. ذکر موارد مشابه و همسان در متونی چون *عجایب‌المخلوقات طوسی*، *عجایب‌المخلوقات زکریای قزوینی*، *جامع‌العلوم فخر رازی*، *نوادرات‌التبادر دنیسری*، *آثار و احوای رشیدالدین فضل‌الله همدانی*، *ارشاد‌الزراعه ابونصری هروی* و *معرفت فلاحی عبدالعلی بیرجندی* - که گاه تحت تأثیر *نزهت‌نامه* بوده‌اند، نشان‌دهنده ژرفا، دیرینگی و وسعت آداب و سنن عامیانه فرهنگ مردم ایران است. مؤلف با ذکر آداب و رسوم مرتبط با نباتات که از یک‌سو حاصل مشاهدات شخصی و آزمونگری اوست و از سوی دیگر نتیجه مطالعه منابع پیشین و تأثیرپذیری از آن‌هاست، باورها و آیین‌های نباتی ارزشمندی را از گزند فراموشی نجات داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. به دلیل کثرت ارجاع و پرهیز از تکرار، تنها به ذکر شماره صفحه *نزهت‌نامه* بسنده شده است.
۲. باور به دلالت بانگ نوعی قورباغه درختی بر آمدن باران، در شعر معاصر نیز طرح شده است: «خشک آمد کشتگاه من // در جوار کشت همسایه // گرچه می‌گویند می‌گیرند روی ساحل نزدیک // سوگواران در میان سوگواران // قاصد روزان ابری داروگ کی می‌رسد باران» (نیمایوشیج، ۱۳۸۴: ۷۶۰). گفتنی است که شه‌مردان‌ابن‌ابی‌الخیر (نک: ۱۳۶۲: مقدمه مصحح، ۷۲) مدتی را در گرگان و نواحی طبرستان به سر برده و به احتمال زیاد این باور را از مردمان آنجا نقل کرده است. امری که با خاستگاه این باور در شعر نیمایوشیج کاملاً سازگار است.
۳. ناهوگو تاواراتانی (۱۳۸۵: ۲۱۴ - ۲۲۰)، محقق ژاپنی، در مقاله‌ای با عنوان «تهدید نمایی درخت - یک آیین باروری» با ذکر چند نمونه از آثار معاصران، این آیین را با چند نمونه رایج در ژاپن سنجیده است.

منابع

- ابن سینا، شیخ‌الرئیس ابوعلی (۱۳۸۳). *رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات*. با مقدمه و حواشی موسی عمید. همدان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دانشگاه بوعلی همدان.
- ابن‌فندق، علی‌بن‌زید البیهقی (۱۳۶۱). *تاریخ بیهقی*. تصحیح احمد بهمنیار. تهران: فروغی.
- ابونصری هروی، قاسم‌بن‌یوسف (۱۳۵۶). *ارشاد‌الزراعه*. به کوشش محمد مشیری. تهران: امیرکبیر.

- انوری، محمدبن‌علی (۱۳۷۶). *دیوان*. به کوشش محمدتقی مدرس رضوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی یا تطور نثر فارسی*. تهران: زوار.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۷). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
- بیرجندی، عبدالعلی (۱۳۸۷). *معرفت فلاحت*. به کوشش ایرج افشار. تهران: میراث مکتوب.
- بطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۴۴). *کشاورزی و بهبود مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*. ترجمهٔ کریم کشاورز. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- تاواراتانی، ناهوکو (۱۳۸۵). «تهدید نمایشی درخت - یک آیین باروری». *فرهنگ مردم*. س ۵. ش ۱۹-۲۰. صص ۲۱۴ - ۲۲۰.
- جمالی یزدی، ابوبکر مطهر (۱۳۸۶). *فرخ‌نامه*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۸). *دیوان*. به کوشش ضیاء‌الدین سجادی. تهران: انتشارات زوار.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۱). «شاهنامهٔ پیروزان». *دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی*. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- *خواب‌گزاری* (۱۳۸۵). به همراه *التحییر امام فخر رازی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: المعی.
- دادگی، فرنیغ (۱۳۹۰). *بندهشن*. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
- دنیسری، شمس‌الدین محمد (۱۳۵۰). *نوادرالتبادر لتحفةالبهادر*. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۵). *باورهای عامیانهٔ مردم ایران*. تهران: چشمه.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۶۸). *آثار و احوای (متن فارسی در بارهٔ فن کشاورزی)*. به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار. تهران: مؤسسهٔ مطالعات دانشگاه اسلامی مک‌گیل با همکاری دانشگاه تهران.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶). *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز*. تهران: آگه.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵). *از گذشتهٔ ادبی ایران*. تهران: سخن.
- زکریای قزوینی، محمدبن‌محمود المکمونی (بی‌تا). *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*. تصحیح نصرالله سبوحی. تهران: کتابخانهٔ ناصر خسرو.

- سابتلنی، ماریا (۱۳۸۴). «دفاع از کشاورزی: ارشادالزراعه و نقش آن در اقتصاد سیاسی ایران در آغاز عهد صفوی». ترجمه محمدجواد مهدوی. یادنامه رضا مایل هروی. به کوشش نجیب مایل هروی. تهران: طرح نو.
- سعدی، مصلح‌بن‌عبدالله (۱۳۸۴). بوستان. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- شهردان‌بن‌ابی‌الخیر (۱۳۶۲). نزهت‌نامه علایی. تصحیح فرهنگ جهان‌پور. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۲). روضة‌المنجمین. تصحیح و تحقیق جلیل اخوان زنجانی. تهران: میراث مکتوب و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۶). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- طوسی، محمدبن‌محمودبن‌احمد (۱۳۸۷). عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات. به اهتمام منوچهر ستوده. تهران: علمی و فرهنگی.
- فخر رازی، محمدبن‌عمر (۱۳۸۲). جامع‌العلوم. تصحیح سید علی آل‌داوود. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۸۹). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار. ترجمه ژاله آموزگار و تقی تفضلی. تهران: چشمه.
- نیمایوشیچ (۱۳۸۴). مجموعه کامل اشعار. گردآوری و تدوین سیروس طاهباز. تهران: نگاه.
- وسل، زیوا (۱۳۶۸). دائرة‌المعارف‌های فارسی. ترجمه محمد علی امیرمعزی. تهران: طوس.
- هدایت، صادق (۱۳۵۶). نیرنگستان. تهران: جاویدان.
- هینلز، جان (۱۳۸۸). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- یواقیت‌العلوم و دراری النجوم (۱۳۴۵). تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.